

## عنوان مقاله:

مساله صدق در نقد عقل محض کانت

## محل انتشار:

فصلنامه پژوهش های فلسفی، دوره 13، شماره 27 (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 26

## نویسندگان:

محمد رضا عبدالله نژاد - دانشیار گروه فلسفه، دانشگاه تبریز

خدیجه قلی زاده - دانشجوی دکتری فلسفه، دانشگاه تبریز

## خلاصه مقاله:

نمود یک فصل یا مدخل مجزا در باب صدق در نقد عقل محض، وجود برخی عبارات و اظهارات مبهم، پیچیده و تفسیربردار در باب صدق در برخی بخش‌های آن اثر و شکل‌گیری تفسیرهای افراطی ضد و نقیض راجع به این اظهارات از جانب برخی شارحان و مفسران کانت، از جمله موانع مهم پیشروی کانت پژوهان معاصر در زمینه ارائه یک دیدگاه واحد، منسجم و شفاف در باب نظریه صدق کانت بوده است. بنابراین، پرسش از چیستی صدق در نقد عقل محض به یک مساله اساسی در میان کانت پژوهان تبدیل شده است. پژوهش حاضر، با تحلیل تلقی جدید کانت از حکم بعنوان یک نسبت معرفتی (و نه منطقی) میان تصورات، و نیز، بدون تمایل بی مورد به یکی از دو دیدگاه افراطی رایج در زمینه نظریه صدق کانت (که یکی کانت را به عنوان مدافع نظریه سنتی مطابقت صدق و دیگری کانت را مخالف نظریه مطابقت و بنیانگذار نظریه انسجام صدق قلمداد می‌کنند)، بر این نکته مهم تاکید می‌کند که ساختار کلی نقد عقل محض ایجاب می‌کند که نظریه سنتی مطابقت صدق نه کاملاً کنار گذاشته شود و نه کاملاً به آن صورت سنتی و رایج پذیرفته شود. به عبارت دیگر، نقد عقل محض، با اصلاح و تکمیل نظریه سنتی مطابقت صدق، پایه‌های یک نوع تلقی جدید از صدق را بنا گذاشته است که می‌توان آن را نظریه استعلایی مطابقت صدق نامید. مطابق با این تلقی جدید، صدق جزء شرایطی است که یک حکم (Judgment) یا یک شناخت (Cognition) بدون آن نمی‌تواند مطابق با متعلق اش بوده و تبدیل به یک معرفت عینی شود؛ تصورات تشکیل دهنده یک حکم یا شناخت تنها به شرطی می‌توانند تبدیل به معرفت صادق یا حکم تجربی عینی شوند که در مطابقت با تجربه ممکن (یعنی اصول و قواعد کلی و پیشینی تجربه) تالیف یافته باشند.

## کلمات کلیدی:

کانت، مساله صدق، حکم، نسبت معرفتی تصورات، نظریه استعلایی، مطابقت صدق

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/931520>

